

مسجد، بسیج سیاسی و انقلاب اسلامی بررسی موردی؛ دوره تاریخی ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷

مرتضی شیروودی*
جعفر ساسان**

چکیده

مسجد از همان آغاز به بخش اجتناب ناپذیر زندگی مسلمانان مبدل گشت و چنین کارکردی را در دوره‌های تاریخی بعدی ادامه داد، موضوعی که آثار مستقل اندکی را به خود اختصاص داده است. از این‌رو، پی بردن به نقش همه‌جانبه آن به ویژه در حوادث مهمی چون انقلاب اسلامی، بررسی بیشتری را می‌طلبد. بنابراین همچنان با این سؤال مواجهیم که: مسجد در بسیج سیاسی منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی از چه کارکردهایی برخوردار بوده است؟ احتمالاً قدمت، اعتبار و تناسب مسجد با فرهنگ و اعتقادات اجتماعی، آن را به عنوان سازمان انقلابی مطرح ساخت به گونه‌ای که در مقایسه با سازمان‌ها و نهادهای مدنی مدرن، گوی سبقت را از آنان ربود. هدف مقاله ضمن نشان دادن اهمیت بی‌بدیل مسجد، اشاره بر نهادینگی مسجد در حوادث تاریخی به خصوص در جامعه شیعی است. دسترسی به این هدف تنها در پرتو روشی توصیفی تحلیلی میسر است. تأکید بر ضرورت ایفای نقش مسجد در پاسداشت تحولاتی که خود پدید آورده است از یافته‌های نوشتار حاضر است.

واژگان کلیدی

امام خمینی علیه السلام، رهبری، مسجد، انقلاب اسلامی، بسیج سیاسی و کارکردها.

مقدمه

مسجد از دیر باز در زندگی مسلمانان نقش محوری داشته و زیر بنای شکل‌گیری تمدن اسلامی محسوب می‌شود.

ashirody@yahoo.com

j.sasan@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۲

*. استادیار پژوهشگاه امام صادق علیه السلام.

** پژوهشگر ارشد علوم سیاسی پژوهشگاه امام صادق علیه السلام.

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۱۸

مساجد در نظام سیاسی - اجتماعی مسلمانان فقط کارکرد عبادی و مذهبی نداشته، بلکه دارای کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و ... بوده‌اند. در ایران همزمان با ورود اسلام، مساجد شکل گرفتند و پس از آن، یکی از نهادهای تاثیر گذار در زندگی مردم ایران به شمار آمده‌اند و در شکل‌گیری نهضت‌های سیاسی - اجتماعی ایرانیان در ادوار مختلف، مانند قیام سربداران، نهضت مشروطه، قیام گوه‌رشاد و نظایر آن، نقش بسیار مهمی ایفا کردند.

در روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، مساجد یکی از عمده‌ترین محل‌های تجمع و اعتراض مردم و شکل‌گیری تظاهرات علیه رژیم شاه بود. در واقع، تجمع مردم که عامل مهمی در شکل‌گیری توده‌های انقلابی است و نقش بسزایی در شکل‌گیری تظاهرات و اعتراضات مردمی علیه رژیم شاه داشت، از مساجد ریشه می‌گرفت. به طور معمول، در اکثر انقلاب‌ها، مکان‌های عمومی نظیر باشگاه‌ها در انقلاب فرانسه و یا شبکه‌های مخفی حزبی عامل تجمع افراد بوده‌اند و در انقلاب اسلامی، مساجد به طور آشکاری همین نقش را به شکل همه‌جانبه و گسترده‌تر ایفا نموده‌اند.

هر چند که مسجد دارای کارکردهای گوناگونی در جامعه است اما در این مقاله کارکردهای آن در بسیج سیاسی مردم در سه حوزه ارتباطی - رسانه‌ای، حمایتی - پشتیبانی مالی و فرهنگی - سیاسی بررسی می‌شود.

چهار چوب نظری

چهار چوب نظری این پژوهش، مبتنی بر نظریه‌های نهادگرا یا سازمان‌گراست که نقش سازمان و تشکیلات را در بسیج و سازماندهی انقلابی مورد بررسی قرار داده‌اند. بر اساس این نظریه‌ها، موفقیت یا شکست جنبش‌های اجتماعی بستگی به آن دارد که سازمان جنبش، چگونه طراحی و به کارگیری شود و تا چه حد در بسیج سیاسی موفق باشد؟ یکی از این نظریات، مربوط به چارلز تیلی^۱ است که در کتاب خود^۲ به تشریح آن پرداخته است. مفروض اصلی تیلی، این است که عرصه سیاست چیزی جز منازعه گروه‌های مختلف بر سر قدرت سیاسی نیست و این منازعه، در همه سطوح جامعه، ساری و جاری است. او علل و انگیزه‌های منازعه را بر اساس مدل جامعه سیاسی یا هیئت حاکمه و چگونگی شکل‌گیری و انجام آن را بر اساس مدل بسیج توضیح می‌دهد. او هر گروه و جمعیتی را به چند دسته حکومت، اعضای جامعه سیاسی و گروه‌های منازعه‌گر یا ائتلافی از گروه‌های منازعه‌گر که به طرح دعاوی خود می‌پردازند، تقسیم می‌کند. (Tilly, 1978: 52)

وی معتقد است آنچه میزان توفیق هر یک از گروه‌ها را تعیین می‌کند عبارت است از:

منابع تهدید و اجبار، منابع اقتصادی، منابع هنجاری یا ارزشی (همبستگی وفاداری درون گروهی) و دیگر منابع مفید جامعه. این گروه‌ها پیوسته منابع جمعی خود را برای ورود به جامعه سیاسی با ماندن در آن بسیج می‌کنند. (Tilly, 1978: 57)

1. Tilly Charles.
2. FROM MOBILIZATION TO REVOLUTION.

از نظر تیلی، مهم‌ترین عنصر هر انقلاب، بسیج سیاسی توده‌ها بوده و ایدئولوژی، رهبری، تشکل و سازمان و توده مردم مهم‌ترین ارکان هر بسیج سیاسی را تشکیل می‌دهند. (احمدوند، ۱۳۷۴: ۶۰)

اکنون با توجه به مدل تحلیلی چارلز تیلی که سازمان و تشکیلات را یکی از ارکان هر انقلاب می‌داند به ارائه کارکردها و کارویژه‌های سازمان در بسیج سیاسی می‌پردازیم:

۱. سازمان بایستی قادر باشد ارتباط دقیق و منطقی میان انقلابیان با یکدیگر، انقلابیان با توده مردم و این دو را با رهبری برقرار نماید. همچنین رساندن اخبار و اطلاعات از کارویژه‌های سازمان است؛
۲. کارویژه دوم سازمان، پشتیبانی مالی و تدارکاتی و در واقع، بسیج منابع و امکانات است؛
۳. کارویژه سوم، ایجاد همبستگی و هویت مشترک در میان توده‌ها است. سازمان باید قادر باشد طیف‌های مختلف جامعه را در زیر یک چتر گرد آورده و در بین افراد جامعه ایجاد یگانگی کند.

حال با توجه به ویژگی‌های سازمان انقلابی، این ویژگی‌ها را در مورد مسجد و نقش آن در انقلاب اسلامی به بحث می‌گذاریم:

کارکرد ارتباطی - رسانه‌ای

برای ایجاد بسیج سیاسی باید میان اعضای جامعه گونه‌ای از ارتباطات سازمانی و ساختاری، هر چند ضعیف، وجود داشته باشد تا رهبران انقلابی از طریق این سازمان‌ها با اعضای جامعه ارتباط برقرار نموده و شرایط بسیج را مهیا کنند. اگر در جامعه‌ای هیچ نوع نهاد یا سازمان اجتماعی وجود نداشته باشد و مردم پراکنده باشند و هیچ نوع ارتباط درونی میان اعضای جامعه در قالب گروه‌های اجتماعی وجود نداشته باشد، رهبران انقلابی به دلیل عدم ارتباط با توده‌ها قادر به بسیج نخواهند بود. در نتیجه باید حداقلی از نهادها و سازمان‌های ارتباطی وجود داشته باشد تا امکان بسیج فراهم گردد.

مسجد در زمینه ایجاد ارتباط میان آحاد جامعه موفق بوده و یکی از دلایل موفقیت آن در کارکرد رسانه‌ای خود بهره‌گیری از ارتباطات چهره به چهره است که با توجه به فرهنگ شفاهی جامعه ایران، این امر بسیار تأثیرگذار بود. رهبر معظم انقلاب اسلامی بر این مسئله تأکید ورزیده‌اند:

مسجد، جلسه مذهبی، نشست روبه‌روی مردم، دهان به دهان و نفس به نفس با مردم حرف زدن، یک نقش بی‌بدیل دارد و هیچ چیزی جای این را نمی‌گیرد. (بیانات مقام معظم رهبری در ۱۸ آبان ۱۳۸۵)

ویلیام هاکنن با بررسی تجربه ارتباطات مذهبی در انقلاب اسلامی تأکید می‌کند که «آنچه در ایران روی داد بی‌سابقه بود؛ چون از ارتباطات چهره به چهره، ارتباطات سنتی، راهپیمایی‌ها و خطبه‌های نماز جمعه برای خدمت به انقلاب استفاده می‌شد». (باهنر، ۱۳۸۵: ۶۸)

دلیل دیگر در این زمینه، به مسئله مشروعیت رسانه‌ها و پذیرش آنها توسط مردم بر می‌گردد. با توجه به

اینکه رسانه باید حامل پیامی برای مخاطب خود باشد، هر چه این پیام با فرهنگ و اعتقادات جامعه تناسب بیشتری داشته باشد، بیشتر مورد پذیرش قرار می‌گیرد در حالی که رسانه‌های نوین، از ابتدا با طراحی بیگانگان وارد ایران شد و در ادامه نیز، مروج فرهنگ بیگانه بودند، از مشروعیت چندانی در جامعه برخوردار نبود، اما مسجد با قدمتی ۱۴۰۰ ساله که حامل پیام اسلامی و مروج اعتقادات جامعه بود از مشروعیت بالایی در جامعه ایران برخوردار بود. در واقع، انقلاب اسلامی از دیدگاه فرهنگ و ارتباطات، واکنشی علیه جریان‌های غالب در رسانه‌های مدرن ارتباطی بود که در اثر آن، ارتباطات سنتی نهادینه شده اجتماعی بر کانال‌های مدرن ارتباطی پیروز شد. به تعبیر دکتر مولانا:

این واقعه مهم نشان داد که در کشورهای اسلامی به ویژه در ایران، رسانه‌های سنتی، هم گفتاری و هم مکتوب، نه تنها در مقابله و روبرویی با رسانه‌های جدید وجود و اهمیت خود را از دست نداده‌اند، بلکه با مشروعیت ویژه‌ای که در جامعه دارند، تحرک بیشتری در دو دهه اخیر پیدا کرده‌اند. انقلاب اسلامی ایران نشانه بارز آن در عصر حاضر است؛ زیرا این انقلاب مرهون تحرک و ابتکار زیر ساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی سنتی بوده و می‌باشد. (مولانا، ۱۳۷۱: ۸۵)

دلیل دیگر موفقیت مسجد به عنوان یک رسانه، بهره‌گیری از رسانه‌های نوین در جهت اهداف انقلاب بود. در حقیقت، مسجد به مثابه پایگاه و منبع ارتباطات انقلابی، علاوه بر رسانه‌های نسل اول یا رسانه‌های شفاهی و چهره به چهره از طریق موعظه و خطابه، رسانه‌های نسل دوم و سوم مانند کتاب، جزوه، اعلامیه و کاست‌های حاوی پیام‌های رهبر انقلاب را نیز در اختیار داشت و از ترکیب رسانه‌های گوناگون توانست ارتباط میان رهبری و توده‌ها را برقرار سازد. آل‌وین تافلر در کتاب جابجایی در قدرت می‌نویسد:

درک این مطلب که مذهب سازمان یافته، صرف نظر از هر چیز دیگری که باشد، رسانه‌ای است انبوه، کمک می‌کند تا بسیاری از جابجایی‌های قدرت معاصر را تبیین کنیم. (تافلر، ۱۳۷۲: ۵۴۳)

سپس در مورد انقلاب اسلامی می‌نویسد:

در ایران آیت الله خمینی نفرت طبقاتی و خشم ملی‌گرایانه را با شور مذهبی درآمیخت. عشق به الله + نفرت از امپریالیسم + مخالفت با سرمایه‌داری + انقلابی که خاورمیانه را به کانون بالقوه جنگ و درگیری تبدیل ساخت. (همان: ۵۴۴)

وی سپس ادامه می‌دهد:

اما آیت‌الله خمینی به کاری بیش از ترکیب این سه عنصر در یک حرکت پرشور واحد دست زد. وی همچنین رسانه‌های موج اول یعنی موعظه‌های چهره به چهره روحانیون برای مؤمنان را با تکنولوژی موج سوم ترکیب کرد، نوارهای صوتی حاوی پیام‌های سیاسی که در مساجد به طور مخفی توزیع می‌گردید و در همانجا پخش می‌شد و به کمک دستگاه‌های ارزان قیمت تکثیر می‌گردید. شاه برای

مقابله با آیت الله خمینی از رسانه‌های موج دوم یعنی مطبوعات و رادیو و تلویزیون استفاده می‌کرد. به محض اینکه آیت الله خمینی توانست شاه را سرنگون کند و کنترل دولت را در دست گیرد، فرماندهی این رسانه‌های متمرکز موج دومی را نیز در اختیار گرفت. (همان: ۵۴۵)

یکی دیگر از عوامل موفقیت مسجد به عنوان پایگاه ارتباطی، مصونیت نسبی آن در برابر حملات رژیم بود. در حالی که رژیم شاه با نهادها و سازمان‌های مدرن مخالف به شدت برخورد می‌کرد و اجازه اظهار وجود به آنها نمی‌داد، اما مسجد به دلیل قداست و حمایت مردمی تا حدودی از تعرض مصون بود و مبارزان مذهبی می‌توانستند در پوشش مذهب، فعالیت‌های انقلابی را نیز پیگیری کنند. حسنین هیکل در این باره می‌نویسد:

در کشورهای اسلامی نهادی به چشم می‌خورد که قدرت قادر به دسترسی بدان نمی‌باشد و آن نهاد مسجد است. با این نهاد نمی‌توان مذاکرات پنهانی داشت و یا به آن رشوه داد؛ زیرا انجام چنین عملی به مثابه توهین به عمیق‌ترین و گرامی‌ترین اعتقادات مردم است. مسجد برای اجتماع مردم مکانی فراهم می‌آورد که حتی از دسترس مؤثرترین پلیس مخفی دور است. مردم به قیمت جانشان از مسجد دفاع می‌کنند. (هیکل، ۱۳۶۳: ۲۳۶)

در نهایت باید گفت که گستردگی شبکه مساجد در سراسر کشور از بزرگترین شهرها تا روستاها، این امکان را به وجود آورده بود که پیام‌ها و ارتباطات انقلابی به راحتی در سراسر کشور پخش شود و همه مردم در رابطه با مواضع انقلابی و پیام‌های رهبری انقلاب قرار گیرند. جان دی استمیل از کارشناسان سفارت آمریکا می‌نویسد:

یک جنبه مهم رشد حرکت انقلابی، مشارکت دائمی و فزاینده سازمان‌های شیعی مذهبی ایرانیان در جنبش بوده است. در کشور ۳۵ میلیونی ایران تقریباً ۸۰ تا ۹۰ هزار مسجد و ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار روحانی وجود دارد و سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای رساندن پیام از شهری به رهبران شهر دیگر از طریق شبکه مساجد انجام می‌گرفت. (استمیل، ۱۳۷۹: ۶۸)

در نتیجه مسجد به دلایلی که ارائه شد توانست در جریان بسیج انقلابی، به عنوان پایگاه رسانه‌ای و ارتباطی جریانات مخالف رژیم عمل کند و تنها نهاد مستقل و مردمی برای بسیج مردم بود. در واقع، کارکرد رسانه‌ای مسجد در ارتباط با دو رکن دیگر انقلاب، یعنی رهبری و ایدئولوژی نیز بسیار مهم بود؛ زیرا از طرفی پایگاه ارتباطی مردم و رهبری انقلاب بود و در طول سال‌های تبعید حضرت امام علیه السلام این ارتباط قطع نشد و از طرف دیگر ایدئولوژی انقلاب که ملهم از اندیشه سیاسی شیعه بود از طریق مسجد گسترش می‌یافت. به بیان دیگر:

پیش از انقلاب، روحانیونی که با دانشگاه‌ها و محیط‌های فکری جوان و احیاناً مرتبط با افکار بیگانه اتصال داشتند، ابزاری که قدرت و زوری به آنها بدهد، نداشتند اما فضا در قبضه آنها و به دست آنها بود. در یک مسجد، یک روحانی می‌ایستاد برای مردم حرف می‌زد و می‌دیدید کلاس‌های درس در دانشگاه، تعطیل یا خلوت می‌شد و می‌رفتند پای صحبت آن آقا؛ که چهار کلمه تفسیر از او بشنوند یا شرح نهج‌البلاغه او را یاد بگیرند. (بیانات رهبری در جمعی از روحانیون در ۲۶ خرداد ۱۳۷۲)

کارکرد حمایتی و پشتیبانی مالی

از جمله شرط‌های موفقیت یک گروه مخالف در منازعه با حکومت مستقر، آن است که به لحاظ مادی و اقتصادی به نظام حاکم وابستگی نداشته و مستقل باشد. هر نهضتی برای سازماندهی و اقدامات انقلابی نیازمند منابع مالی فراوانی است؛ زیرا در هر انقلاب تعداد زیادی افراد درگیر در مبارزه و مقدار زیادی اقدامات پنهان انقلابی وجود دارد که باید از لحاظ مالی تغذیه شوند.

در بسیاری از کشورهای انقلابی، گروه‌های مبارز مخارج خود را از طریق سرقت یا کمک‌های اعضای خود تأمین می‌کنند. روش اول در میان چریک‌های انقلابی رایج‌تر است اما با توجه به اینکه ایدئولوژی انقلاب اسلامی متکی به دین اسلام بود، این روش‌ها نمی‌توانست در آن جای داشته باشد؛ زیرا نهاد مذهب در ایران استقلال خود را حفظ کرده بود و اتحاد مسجد - بازار، مهم‌ترین عامل این استقلال بود.

بازار در جوامع اسلامی، خصوصاً در کشورهای شیعه، ارتباط نزدیکی با محافل دینی از قبیل حوزه‌های علمیه، مساجد و هیئت‌های مذهبی داشته است. این نزدیکی و آمیختگی تنها به بعد فیزیکی و کالبدی منحصر نبوده، بلکه فراتر از آن نوعی همبستگی و تجانس فکری - فرهنگی را میان بازار و مسجد در صف‌بندی‌های اجتماعی - سیاسی تشکیل می‌داد. برخی معتقدند که پیوند میان این دو نهاد فراتر از ارتباط آنها با سایر اقشار و نهادها از جمله نهاد حکومت یا ارگ بوده است. تبلور این پیوند و اتحاد را می‌توان در تاریخ جنبش‌های سیاسی - اجتماعی دو بیست سال اخیر ایران به خوبی مشاهده کرد. بر اساس مستندات تاریخی در هیچ یک از جنبش‌های تاریخ معاصر ایران همچون جنبش تنباکو، قیام مشروطه و انقلاب اسلامی، این دو نهاد در برابر یکدیگر قرار نگرفته بلکه در تمامی صف‌بندی‌ها جبهه واحدی علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی تشکیل داده‌اند؛ البته چنین اتحادی بیش از آنکه متأثر از اقتصاد بازار باشد از مذهب تأثیر پذیرفته بود و از این رو، بازار با قدرت مالی به جای قرار گرفتن در رأس حرکت‌های ضد دولتی مروج اهداف روحانیان بوده است.

همبستگی مسجد و بازار در ایران نیز در ادوار مخالف تاریخی وجود داشته و این امر به ویژه با ورود استعمار به ایران پر رنگ‌تر شد. به آن دلیل که مبانی شرعی بازار را به هم می‌ریخت و به جای آن، مسائلی چون ربا را استوار می‌ساخت. به هر روی، در دوران حاکمیت سلسله قاجار، نحوه تعامل دولت با علما و اعطای امتیازات اقتصادی به بیگانگان باعث شد که ضمن باز شدن پای طرف خارجی به مناسبات قدرت در ایران، دو طرف دیگر مسئله یعنی مسجد و بازار نیز در موضع تخصصی با دولت قرار بگیرند. نمونه بارز این صف‌بندی را در واقعه رژی و جنبش تحریم تنباکو که در آن محور مسجد - بازار، در یک صف واحد در مقابل شاه و طیف خارجی قرار گرفتند، نمایان شد. استمرار این صف‌بندی به نهضت مشروطه منجر شد که برای اولین بار اقتدار پادشاه را به چالش طلبید.

اتحاد مسجد - بازار در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت و با توجه به سیاست‌های رژیم شاه مبنی بر نوسازی به سبک غربی و ترویج ابتدال و بی‌بند و باری در جامعه و تحت فشار قرار گرفتن اقشار مذهبی و به ویژه

بازاریان، این دو نهاد بیشتر به هم نزدیک شدند. این اتحاد باعث شد که در انقلاب اسلامی، بازاریان و بازار به عنوان یک نهاد سنتی، نقش بسزایی چه از لحاظ مالی و اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی ایفا کنند. از لحاظ سیاسی موقعیت بازار و جمعیت آن نقش مهمی در شکل‌گیری تظاهرات مردمی داشت. با توجه به اینکه بازاریان اولاً گروهی از اجتماع سنتی شهر نشین بودند که چندین هزار مغازه داشتند و ثانیاً با جمعیت زیادی از مردم در ارتباط بودند، هر گاه که اتفاقی می‌افتاد بازار را بسته و در مساجد تجمع می‌کردند. تعطیلی بازار باعث نارضایتی مردم و اعتراض به دولت می‌شد و تا حدی زمینه شکل‌گیری تظاهرات مردم را فراهم می‌کرد. میثاق پارسا در این زمینه می‌نویسد: «تنها کانال بسیج بازاریان در اتحاد با سایر گروه‌ها، مساجد بودند» (parsa, 1989: 94) و «مساجد محل امنی برای بازاریها فراهم کرده بودند تا گرد هم آیند و به مخالفت با رژیم پرداخته و فشارهای حکومت را افشا کنند» (ibid: 125)

از لحاظ اقتصادی نیز بازار نقش مهمی در پشتیبانی و حمایت از مبارزات انقلابی و انقلابیان داشت که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ساخت مسجد و مکان‌های مذهبی: بسیاری از مساجد و حسینیه‌ها در شهرهای بزرگ در کنار بازار و توسط بازاریان ساخته می‌شد. ساخت حدود ۵۰ مسجد کوچک و بزرگ در محدوده بازار تهران در دوره‌های مختلف، دلیلی بر این مدعاست. برخی از این مساجد نیز به نام بانیان آنها نامگذاری شده است، مانند مسجد جلیلی، مسجد سید عزیزالله، مسجد لباسچی، مسجد جامع سید علی‌اکبر بزاز، مسجد حاج رضا همدانی، مسجد حاج حسین بلور فروش و ...

۲. تأسیس و راه‌اندازی صندوق‌های قرض‌الحسنه و حمایت از مبارزه: تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه در بازار یا مساجد و کمک بازاریان به آنها یکی از راه‌های حمایت بازار از نهضت انقلابی ایران بود که در این رابطه اسناد فراوانی هم وجود دارد. آقای هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود می‌نویسد:

بنیاد خیریه رفاه را ... درست کردیم که پوشش خوبی بود برای حل مشکلات کسانی که در جریان مبارزه آسیب می‌دیدند. صندوق‌های قرض‌الحسنه را هم تشویق کردیم که هم پوشش خوبی بود برای همان کارهای امدادی سیاسی و هم راهی برای حضور بیشتر در مساجد و بهره‌گیری بیشتر از آنها به عنوان پایگاه مبارزه. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۲۳۳)

۳. پرداخت هزینه هیئت‌های مذهبی و حوزه‌های علمیه: با توجه به اعتقادات مذهبی بازاریان، آنها خود را ملزم به پرداخت وجوه‌های شرعی به علما و حوزه‌های علمیه می‌دانستند و اگر از پرداخت مالیات به دولت سرباز می‌زدند در پرداخت وجوه‌های شرعی بسیار مقید بودند. استمپل می‌نویسد: «به هر حال بازار و مسجد همیشه با یکدیگر همکاری داشته‌اند» (استمپل، ۱۳۷۹: ۶۹)

موارد فوق بیانگر نزدیکی و پیوند مسجد و بازار و تأثیر این دو نهاد در پیروزی انقلاب اسلامی است؛ در حالی که بازاریان نیازهای فکری، فرهنگی و عقیدتی خود را از طریق مساجد برطرف می‌کردند، با کمک‌های خود نیز نیازهای مساجد را بر طرف کرده و مبارزات مردمی را از طریق مساجد وسعت می‌بخشیدند و به دلایلی از این دست، «مسجد، نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی ما، بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاریخ، منشأ آثار بزرگ و نهضت‌ها و حرکت‌های اسلامی بزرگی شده است». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از روحانیون در ۱۹ دی ۱۳۷۵)

کارکرد فرهنگی - سیاسی

یکی از کارکردهای سازمان در جریان بسیج سیاسی و سازماندهی توده‌های انقلابی، ایجاد فرهنگ و هویت مشترک و بسیج منابع عقیدتی و ارزشی است. سؤال این است که کارویژه‌های مسجد در ایجاد فرهنگ و هویت مشترک چه بوده است؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. رابطه مسجد - روحانیت و تعمیق باورهای دینی مردم: رابطه مسجد و روحانیت رابطه دیرینه‌ای است. گرچه از ابتدای ظهور اسلام و تأسیس مسجد، مردم با حضور در مسجد و دیدار با پیامبر ﷺ سؤالات و مشکلات خود را در میان می‌گذاشتند و مسجد، مرکز تمام فعالیت‌های جامعه اسلامی بود. در حقیقت، مسجد به عنوان پایگاهی برای رتق و فتق امور مسلمین در آمد. (بیانات مقام معظم رهبری در ۱۴ تیر ۱۳۶۸) اما با گذشت دوران اولیه و گسترش علم فقه و حدیث، کم‌کم جریان‌های علمی در جامعه اسلامی پا به عرصه وجود گذاشتند و روحانیت در قالب کارگزاران مذهب، وظیفه ارشاد و راهنمایی مردم و آموزش تعلیمات اسلامی را بر عهده گرفتند. با فاصله گرفتن حکام از تعالیم دین و مسجد و تأسیس دارالحکومه، مساجد مردمی به عنوان نهادی مستقل پا به عرصه وجود گذاشتند. در ایران به ویژه از دوره صفویه و با هجرت و یا دعوت از روحانیون سایر کشورها چون لبنان، طبقه جدیدی از روحانیت شکل گرفت که دارای انسجام و تشکیلات بود و بسیاری از امور مردم از جمله آموزش، قضاوت، امور ثبتی و مالی بر عهده آنان بود. در تاریخ سیاسی ایران، روحانیون توانستند با برخورداری از چند ویژگی در قیام‌های ضداستبدادی و ضداستعماری نقش تعیین کننده‌ای ایفا کنند. دکتر ازغندی معتقد است:

روحانیون در مقایسه با سایر اقشار و نیروهای اجتماعی و تشکل‌های سیاسی سازمان‌یافته‌ترین و منسجم‌ترین نیروهای اجتماعی جامعه ایران را تشکیل می‌دهند. روحانیون منابع قدرت متعددی داشتند. اولین و مهم‌ترین کانونی که روحانیون از آنجا اعمال قدرت می‌کردند مساجد است. (ازغندی، ۱۳۷۹: ۱۳۱ - ۱۳۰)

بنابراین بهره‌گیری روحانیت از مساجد باعث شده که در جریان انقلاب اسلامی، مساجد به عنوان پایگاه و تشکیلات مبارزه همانند صدر اسلام احیا شوند و به نقش‌آفرینی جدی بپردازند. در این بخش، نقش

امام خمینی علیه السلام به مثابه احیاگر مساجد در عصر حاضر بسیار تأثیرگذار بود و در تمامی مراحل مبارزه افسار گوناگون جامعه را به بهره‌گیری از مسجد و احیای مجدد آن دعوت می‌کرد. این امر باعث شد که گرایش مردم به مساجد بیشتر شود و طرح مسائل سیاسی توسط روحانیون و وعاظ، مساجد را از جنبه عبادی صرف خارج ساخته و تمامی کارکردهای مسجد فعال شوند.

۲. مسجد و تحول اندیشه دینی: با اتکال به این سخن «یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی - و یا لاقلاً سهولت این پیروزی - این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند؛ جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام، مساجد را به عنوان مرکزی برای تعلیم، تربیت، روشنگری افکار و اذهان، مورد استفاده قرار دادند و مسجد، مرکزی برای حرکت، آگاهی، نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته رژیم طاغوت شد». (بیانات مقام معظم رهبری در ۱۹ دی ۱۳۷۵) می‌توان گفت یکی از اتفاقات نادری که در جریان انقلاب اسلامی رخ داد و در تاریخ معاصر ایران بی‌نظیر بود، حضور روشنفکران مذهبی غیر روحانی در مساجد در کنار روحانیون بود. در حالی که در گذشته منبر و خطابه و وعظ مختص روحانیون بود، اما در این دوران پای متفکران مذهبی و دانشگاهی به مساجد باز شد و تحول جدیدی در عرصه اندیشه دینی به وجود آمد. در جریان مشروطه در حالی که مردم و روحانیت از پایگاه مسجد به مقابله با استبداد پرداخته بودند، روشنفکران در محافل سری و انجمن‌ها و مجامع فعال بودند و مسیر دیگری را دنبال می‌کردند و نهضتی که با رهبری روحانیت و همراهی مردم و از پایگاه مساجد شروع شده بود در نهایت به کژراهه رفت و از سفارت انگلیس سر در آورد. این انحراف باعث شد که نتیجه قیام‌ها و تلاش‌های مردم و روحانیت منجر به روی کار آمدن رضاخان و شکل‌گیری استبداد مدرن در ایران شود. اما رهبران اسلامی نهضت و علمای آگاه و روشن‌بینی نظیر آیت الله طالقانی، شهید مطهری، شهید مفتاح، شهید بهشتی، آیت الله خامنه‌ای و ... با بهره‌گیری از توانایی فکری و علمی روشنفکران مذهبی باعث شدند اتحاد نیروهای مذهبی بیشتر شود و با معرفی چهره جدیدی از دین، غبار تحجر از چهره آن زدوده شود. بهره‌گیری ایدئولوژیک از مکتب تشیع به عنوان راهنمای عمل انقلابی باعث شد که جوانان دانشگاهی و فعالان انقلابی به سلاح فکری جدیدی مجهز شده و در مقابل تفکرات مارکسیستی قد علم کنند و در نهایت، گفتمان سیاسی - ایدئولوژیک شیعه به صورت گفتمان غالب درآید.

۳. مسجد و حفظ هویت دینی جامعه: هویت به منزله شناسنامه ملی یک جامعه به معرفی شخصیت آن می‌پردازد. هویت دینی در جامعه ایران از گسترش و عمق بالایی برخوردار است و تلاش‌های مخالفان دین تاکنون نتوانسته است آن را کمرنگ کند. دکتر نقیب زاده در این باره می‌نویسد:

هویت مذهبی گسترده‌ترین (از نظر تعداد باورمندان) و ژرف‌ترین (از نظر ذهنی و همچنین اجتماعی) هویتی است که در بین ایرانیان وجود دارد. (نقیب زاده، ۱۳۸۱: ۲۰۴)

سیاست‌های اسلام‌زدایی رژیم شاه که هویت دینی جامعه را نشانه گرفته بود باعث شد که علما دست به

فعالیت‌هایی از جمله توسعه نهادهای مذهبی و تأسیس مساجد بزندان. اوج فعالیت‌های رژیم در قالب برنامه به اصطلاح انقلاب سفید بود که هدف رژیم از این اقدام حرکت در مسیر تعیین شده از سوی آمریکا و غرب‌گرایی هر چه بیشتر بود.

در پی انقلاب سفید، شاه سکولاریزه و غربی کردن جامعه را با تأکید بر فرهنگ قبل از اسلام ایران - تا یک اساس ایدئولوژیکی برای حکومت فردی وی تهیه کند - سرعت بخشید و کوشید تا نهادهای مذهبی را در اختیار خویش گیرد. (امجد، ۱۳۸۰: ۸۱)

این اقدامات رژیم، با واکنش شدید علما و مردم به رهبری امام خمینی و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ روبه‌رو شد، اما حکومت با اقدامات دیگر از جمله جشن‌های شاهنشاهی، تغییر تقویم هجری و ... در پی زدودن مظاهر دینی و فرهنگی اسلام از ایران و کم‌رنگ کردن هویت دینی جامعه و از طرفی تبلیغ و ترویج فرهنگ منهای اسلام و مظاهر فرهنگ غرب بود. در حالی که تمام توان رژیم در این راه به کار گرفته شده بود و همه محافل و مجامع از جمله رسانه‌ها، احزاب دولتی و ... در این راستا قدم بر می‌داشتند، اما نیروهای مذهبی در جبهه مقابل با رهبری علمای دینی و روشنفکران مذهبی از طریق پایگاه مساجد، هم به نفی اقدامات رژیم و مقابله با آن پرداخته بودند و هم در پی اثبات و ارائه فرهنگ اسلامی به زبان روز بودند و از این راه به حفظ هویت دینی جامعه می‌پرداختند.

۴. مسجد و جامعه‌پذیری سیاسی: جامعه‌پذیری سیاسی روندی است که یک جامعه، فرهنگ سیاسی خود را دائمی می‌سازد و یا روندی است که به وسیله آن، فرهنگ سیاسی شکل می‌گیرد، باقی می‌ماند و تغییر می‌کند. در کشور ایران با توجه به اکثریت مسلمان جامعه و حاکم بودن فرهنگ شفاهی و چهره به چهره، یکی از کارگزاران اصلی جامعه‌پذیری، مساجد و نهادهای مذهبی هستند. بدیهی است مذهب می‌تواند عامل بسیار مهمی در جامعه‌پذیری افراد باشد ولی در این زمینه و در جوامع و ادیان مختلف تفاوت‌های زیادی وجود دارد. در اسلام، مسجد از مهم‌ترین نهادهایی است که نقش اساسی در جامعه‌پذیری دارد. تقابل فرهنگ سیاسی شیعه که از طریق مساجد و نهادهای مذهبی مانند حسینیه‌ها و تکایا تبلیغ می‌شد با فرهنگ سیاسی رژیم پهلوی، باعث تحول شگرفی در فرهنگ سیاسی ایرانیان شد و مشروعیت رژیم را زیر سؤال برد. این امر باعث شد که رژیم با بحران مشروعیت مواجه شده و زمینه انقلاب اسلامی فراهم گردید.

۵. مسجد و حفظ همبستگی در جامعه: یکی از ویژگی‌های مسجد که در انقلاب اسلامی نیز به طور بارزی جلوه‌گر شد، این بود که تمامی اقشار جامعه از هر صنف و گروه، در مسجد حضور می‌یافتند و از برنامه‌های آن استفاده می‌کردند. در واقع مسجد از آنجا که خانه خداست و به هیچ گروه و طبقه و حزب خاصی بستگی ندارد، در آن همیشه به روی مردم باز است و هر کس می‌تواند متناسب با نیاز خود از برنامه‌های مذهبی، سیاسی، آموزشی و ... آن استفاده کند. ورود به مسجد، نه کارت عضویت می‌خواهد و نه

هیچ ویژگی خاصی از جمله سن، جنس، سطح سواد، طبقه اجتماعی و ... این ویژگی منحصر به فرد، باعث شده مسجد در مقایسه با نهادهای سیاسی - اجتماعی مدرن از جمله احزاب، تشکلهای سیاسی، اتحادیههای صنفی و ... از جذابیت بیشتری برخوردار شده و به عبارتی سهل‌الوصول‌تر از سایر نهادها باشد. نیکی کدی درباره استفاده قشرهای گوناگون از مساجد می‌نویسد: «طبقه وسیعی از تحصیل کرده‌ها، دانشجویان، طبقه سیاسی جدید و تهیدستان شهری تحت تأثیر و سازماندهی مساجد، ستون فقرات سیاست نوین مردمی را فراهم ساختند». (کدی: ۱۳۷۵: ۶) بنابراین حضور تمامی اقشار جامعه در مساجد باعث یکدلی و اتحاد بیشتر مردم شد و زمینه قیام و انقلاب را فراهم کرد.

نتیجه

بر پایه آنچه پیش از این گذشت می‌توان به نتایج متعددی دست یافت از جمله:

۱. مسجد حلقه‌ای است که در تعامل تاریخی سه عنصر اساسی در تحولات مذهبی ایران، یعنی رهبری، ایدئولوژی و مردم، نقش واسطه‌گری خویش را به درستی ایفا کرده و در میانه آن سه، پیوندهای آنان را برای خیز اجتماعی و انقلاب سیاسی فراهم آورده است. به بیان ساده‌تر، مسجد مکانی است که رهبران انقلابی از آن برای آگاه ساختن مردم دینی استفاده می‌کردند و مردم نیز، فارغ از ناراستی‌های احزاب سیاسی، تنها در مسجد با خاطری آسوده از سیاست مطلع می‌شدند و همه اینها که با محوریت دین (ایدئولوژی) صورت می‌گرفت، قیام‌های ضدولتی را پدید می‌آورد. به دیگر بیان، مسجد در مرکز مثلی قرار داشت که در سه سوی آن سیاست، اقتصاد و فرهنگ قرار داشت و این تنها مسجد بود که به دلیل نهادینگی دینی می‌توانست از یک سو پیوند زنده آنها باشد و از سوی دیگر اتحاد این سه را برای حادثه آفرینی تاریخی به حرکت در آورد.

۲. نقش تاریخی مسجد مؤید آن است که مسجد فقط برای نماز نیست (بیانات مقام معظم رهبری در ۱۹ دی ۱۳۷۵) و اگر هم مکانی برای عبادت تلقی شود کسی نباید «خیال کند که در مسجد، فقط چند رکعت نماز می‌خوانند و بیرون می‌آیند و این چه تأثیری دارد؟ [این خیال] خطاست. این‌طور نیست. اولاً اگر همان چند رکعت نماز هم با چشم بصیرت نگاه شود، خود نماز که به زبان مُشَرَع مقدس نماز و اذان، خیرالعمل و فلاح است، مایه برکات زیادی می‌شود. نماز یک ملت را به قیامِ لله وادار می‌کند. نماز انسانها را از فساد دور و به خلوص و فداکاری نزدیک می‌کند». (همان) به همین دلیل، «اصل انقلاب از اینجا شروع شد [یعنی] از مسجد» (بیانات در دیدار با جمعی از روحانیون در ۱۷ بهمن ۱۳۷۲) و به همین سبب است که «مسجد، مرکز همه تصمیم‌گیری‌های مهم و کارهای بزرگ بود». (بیانات مقام معظم رهبری در ۱۹ دی ۱۳۷۵)

۳. گرچه در این مقاله از سه حوزه کارکردی ارتباطی - رسانه‌ای، حمایتی - پشتیبانی مالی، کارکرد فرهنگی - سیاسی مساجد سخن رفته است اما کارکردهای مساجد بسیار فراتر از آن است؛ به گونه‌ای که

سبک زندگی فردی - اجتماعی مسلمانان را تعیین می‌کند و می‌توان آن را معادل سبک زندگی اسلامی به کار برد. البته نباید فراموش کرد که کارکرد همه جانبه مسجد در زندگی همه مسلمانان یکسان نیست. بی‌شک، نقش فراگیر مساجد در حیات اسلامی در بین شیعیان امامیه بیش از سایر فرق است. از این‌رو، اساسی‌ترین تأثیر در حوزه‌های کارکردی مساجد را تنها می‌توان در پرجمعیت‌ترین کشور شیعی یعنی ایران دوره معاصر مشاهده کرد. تصور غلطی خواهد بود که گمان کنیم مساجد تنها در ایجاد تحولات نقش دارند، قطعاً نقش آنان در حوادث پس از تولد وقایع مهم‌تر است.

۴. مقاله بر نهادی بودن مسجد تأکید دارد و از این‌رو، نظریه چارلز تیلی توانایی خود در تحلیل نقش نهادی مسجد در تحولات ایران را نشان داده است. به علاوه، مسجد همواره در عرصه منازعه‌ایی که نظریه تیلی بیان می‌کند و نام آن را سیاست می‌گذارد، حضور مستمر و البته اغلب پیروز دارد. بسیج سیاسی به عنوان رکن دیگر نظریه تیلی، با نقش فراگیر مسجد سازگار است؛ زیرا مساجد به روشنی نشان داده‌اند که قادر به بسیج سیاسی برای تأثیر بر قدرت یا دگرگون‌سازی آن است و از این‌رو در دعوی بین حکومت، جامعه و دسته‌های منازعه‌گر، در کنار مردم قرار دارد و با کاربرد منابع تهدید، منابع اقتصادی و منابع هنجاری یا ارزشی در مصاف با استبداد و استعمار قرار می‌گیرد. به هر روی، مسجد سازمانی است که قادر است ارتباط دقیق و منطقی میان انقلابیان و انقلابیان با توده مردم را برقرار نماید و به خلق همبستگی و هویت مشترک در میان توده‌ها بپردازد.

۵. با توجه به موارد تاریخی زیر مسجد همچنان نقش ممتاز خود در برابر ظلم را حفظ کرده است:

- ۵ - ۱. هنگامی که مأموران شرکت رژی وارد شیراز شدند گروه زیادی از مردم در مسجد وکیل جمع شدند. سیدعلی اکبر فال اسیری ضمن سخنرانی علیه دولت شمشیری از زیر عبا درآورد و مردم را به قیام خواند.
- ۵ - ۲. گرانی قند بهانه‌ای شد که دولت آن را برای زهر چشم گرفتن از بازرگانان به کار بست اما مردم در اعتراض به آن، در مسجدشاه گرد آمدند و خواهان عزل علاءالدوله و تشکیل مجلس برای دادخواهی شدند.
- ۵ - ۳. علما و امام خمینی علیه السلام در مخالفت با سماجت دولت علم در پس گرفتن رسمی انجمن لایحه ایالتی و ولایتی، مردم را به تجمع در مسجد سیدعزیزالله فراخواندند. دولت در هراس از این اقدام، آن را رسماً لغو کرد.
- ۵ - ۴. علما و مدرسان حوزه علمیه قم و شهرستان‌ها در اعتراض به ممانعت بختیار از ورود امام به ایران در مسجد دانشگاه تهران گردآمدند و اعلام کردند تا بازگشت امام به ایران به تحصن خود ادامه خواهند داد.
۶. مقاله با عرضه پاسخ به سؤال مطرح شده با تکیه بر قدمت و اعتبار مساجد، تناسب آن را با فرهنگ اعتقادی مردم تصویرسازی کرده است و بدین صورت، دلیل پیشی‌گیری اجتماعی آن بر سایر نهادهای مدنی مدرن را نشان داده است. (اثبات فرضیه) اما آنچه بیش از پیش مورد توجه مقاله بوده و کوشیده است سیمایی از آن را ارائه نماید، نقش بنیادی مسجد در حفظ همه آن چیزهای است که خود تولید می‌کند. از این‌رو، موضوعات زیر برای بررسی‌های بعدی پیشنهاد می‌شود:

- ۶- ۱. آسیب شناسی مساجد در سناریوهای آینده پژوهشی نظام جمهوری اسلامی ایران.
- ۶- ۲. رابطه مساجد با N.G.O های دینی در اقدامات اجتماعی اصلاح‌گرایانه مذهبی.
- ۶- ۳. مقایسه نقش نهادینگی اجتماعی مساجد در جوامع مختلف شیعی لبنان و ایران.
- ۶- ۴. رابطه سرمایه اجتماعی و سرمایه دینی و نقش مساجد در کلان‌شهرهای ایران.
- ۶- ۵. محدوده منازعه و مفاهمه نافرمانی مدنی با جامعه ایمانی با تأکید بر نقش مساجد.

منابع و مأخذ

۱. احمدوند، شجاع، ۱۳۷۴، «فرایند بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی»، در مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران، نهاد رهبری در دانشگاه‌ها.
 ۲. ازغندی، علیرضا، ۱۳۷۹، تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، ج ۱، تهران، سمت.
 ۳. استمپل، جان دی، ۱۳۷۹، درون انقلاب ایران، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، رسا.
 ۴. امجد، محمد، ۱۳۸۰، ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین سالاری، ج ۱، ترجمه حسین مفتخری، تهران، باز.
 ۵. باهنر، ناصر، ۱۳۸۵، رسانه‌ها و دین، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما.
 ۶. تافلر، آلون، ۱۳۷۲، جابجایی در قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، مترجم.
 ۷. سخنرانی‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی مندرج در سایت معظم له.
 ۸. کدی، نیکی، ۱۳۷۵، «بررسی تطبیقی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی»، ترجمه حسینعلی نوذری، روزنامه ایران، شماره ۴۶۵، ۱۸ شهریور.
 ۹. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۶، یاران امام به روایت اسناد ساواک، کتاب پنجم، شهید هاشمی‌نژاد، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
 ۱۰. مولانا، حمید، ۱۳۷۱، گذر از نوگرایی، ترجمه یونس شکرخواه، تهران مرکز تحقیقات رسانه‌ها.
 ۱۱. نقیب‌زاده، احمد، ۱۳۸۱، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت خارجه.
 ۱۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۷۶، دوران مبارزه، خاطرات، تصویرها، اسناد، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب.
 ۱۳. هیکل، حسنین، ۱۳۶۳، ایران: روایتی که ناگفته ماند، ترجمه حمید احمدی، تهران، الهام.
14. Parsa, misagh, 1989, *social origin of iranian revolution*, rutgress university presss.
15. Tilly, Charles, 1978, *from mobilization to revolution*, London: adison Wesley.

